گزارش خبری

تصمیم مجلس و منافع مشترک کارمندان و کارگران

ایلنا: به‌تازگی رئیس مجلس در اظهارنظری در یک مصاحبه تلویزیونی از افزایش حقوق ۳۰درصدی کارمندان حداقل‌بگیر سخن گفت؛ امری که برای کارگران چشم به راه تصمیم مجری شورای‌عالی کار هم احساس نگرانی به همراه آورده است.

گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی با صداوسیما درباره موضوعاتی مانند حقوق کارکنان دولت در بودجه سال ۱۴۰۴ ازجمله موضوعاتی است که در این روزها مورد توجه کارکنان دولت قرار گرفته است. بسیاری از این کارکنان میان نرخ‌های افزایش مطرح‌شده از سوی محمدباقر قالیباف و معینت روزمره خود فاصله درخورتوجهی می‌بینند.

مجلس هم با همین ملاحظات برای حداقل‌بگیران دولتی و دیگر حقوق‌بگیران دولت تمایز قائل شده و طبق اعلام محمدباقر قالیباف افزایش حقوق ۳۰درصدی را برای این بخش از کارکنان دولت لحاظ کرده است. باوجودِ این علاوه بر کارکنان و کارگران دولت، کارکنان بخش عمومی غیردولتی و کارگران بخش خصوصی که تابع قانون کار هستند نیز به خاطر اثر مصوبه حقوقی بودجه بر مذاکرات مزدی، درباره تصمیم مجلس نگران هستند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در اظهارنظری درباره حقوق کارکنان دولت در بودجه به خبرنگار صداوسیما گفته است: بحث این است که به اندازه تورم، حقوق‌ها را افزایش دهیم اما مقدور (از نظرا مالی نیست. ۲۰ درصد رشد حقوق‌ها را به طور کلی در نظر گرفته‌ایم، ولی برای کسانی که حداقل حقوق را دریافت می‌کنند، ۳۰ درصد رشد حقوق را خواهیم داشت.

این اظهارنظر در حالی است که امروزه بسیاری از کارکنان دولت به‌ویژه در وزارتخانه‌هایی مانند کار، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی و نیرو درباره میزان حقوق دریافتی فعلی خود معترض هستند و همه‌ساله با افزایش ۲۰درصدی حقوق کارکنان، درباره فاصله حقوق خویش با نرخ تورم انتقادات بیشتری را مطرح می‌کنند. اعلام افزایش ۳۰درصدی برای کارکنان حداقل‌بگیر دولت، امری است که برای کارگران کف‌بگیر جشم‌به‌راه تصمیم مزدی شورای‌عالی کار هم ایجاد نگرانی کرده است.

این موضوع (یعنی افزایش اعلامی حقوق کارکنان دولت) همه‌ساله تهدیدی در مسیر تصمیم‌سازی شورای عالی کار برای تعیین دستمزد و مذاکرات آن بوده است. به‌همین‌خاطر همه‌ساله کارگران به میزان افزایش مدنظر سازمان برنامه و بودجه برای کارکنان و کارگران دولت اعتراض می‌کنند؛ به‌ویژه اینکه کارکنان دولت بهانه‌های کسری بودجه را از سوی قوه مجریه به این راحتی قبول نمی‌کنند، زیرا خود در بطن دولت شاهد مصارف اضافه‌ای هستند که همواره به آنها منتقد بوده‌اند.

اماواگرهای افزایش ۳۰درصدی برای کارکنان ضعیف دولت

یحیی عزیزی، عضو کمیته پیگیری مطالبات کارکنان جهاد کشاورزی، درباره اظهارنظر اخیر رئیس مجلس درباره حقوق کارکنان دولت و حداقل‌بگیران دولتی، به موضوع فاصله ۳۰درصدی افزایش حقوق کارکنان حداقل‌بگیر با دیگر کارکنان دولت اشاره کرد و گفت: هنوز این میزان فاصله ۱۰درصدی نمی‌تواند شکاف بسیار زیاد میان کف‌بگیران دولتی را که اصال پایه حقوق‌شان تازه به ۱۳ میلیون تومان می‌رسد، با افرادی که حقوق‌های بسیار بالا دریافت می‌کنند، پر کند.

او با تأکید بر اینکه افزایش ۳۰درصدی حقوق برای حداقل‌بگیران دولت چاره‌گو نیست، گفت: اگر بتوان به اعداد و ارقام معیشتی و شاخص‌هایی اجرای داد که سفره خانوار را می‌سنجد، بسیار روشن‌تر می‌توانستیم از فاصله میان حقوق کارکنان دولت و معیشت خانوار صحبت کنیم. اما شاخصه‌هایی تورمی داریم که در نسبت با کالاهای اساسی، قیمت آرد و طلا و هزینه اجاره‌بها محک می‌خورند. با احتساب این مقایسه‌ها بی‌نرخ تورم آنی و قیمت‌های موجود، حتی افزایش ۳۰درصدی هم برای کارکنان دولت محلی از اعراب نخواهد داشت.

عزیزی ادامه داد: در شرایطی که میانگین نرخ تورم در سه سال اخیر بالای ۴۰ درصد بوده و حقوق کارکنان دولت همواره ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش یافته، طبیعی است که نرخ ۳۰ درصد افزایش حقوق کف‌بگیران دولت با وجود پایه حقوق ۱۳ میلیون‌تومانی فعلی و ۳ میلیون‌ستمی آینده، انزی در سفره‌ها ایجاد نخواهد شد؛ به‌ویژه اینکه در شرایط کنونی نرخ تورم سالانه ۴۰-۱۳ نیز بسیار کمتر است.

این فعال حقوق صنفی کارکنان دولت تصریح کرد: ۳۰ درصد مطرح‌شده از سوی آقای قالیباف نه‌تنها برای سال آینده کفایت نمی‌کند، اگر ارزش حقیقی حقوق دریافتی را برای کارکنان حداقل‌بگیر دولت به ارمغان نمی‌آورد، بلکه پسرفت و عقب‌نشینی در برابر تورم را نیز به همراه دارد. به‌ویژه اینکه فاصله نزدیک به کف‌بگیران دولت و دیگبیران، برابر اندک است و با احتساب همین حقوق حداقل‌بگیر دولت، حقوق‌بگیر بسیار کمی از این کارکنان مشمول افزایش ۳۰درصدی خواهند شد. این در حالی است که تلاش ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری به‌درستی آنها را نشده تا به یک گذشته نسبتا خوب اتکا داشته باشیم.

او تاکید کرد: با بدعتیابی داریم که بدعتی حقوقی دوقلو خوانده می‌شوند. تأثیر افزایش حقوق بسی آن بندها و دیگر ضمایم حقوقی دیده نخواهد شد، بنابراین دروافع ۳۰ درصد افزایش واقعی بر حقوق کف‌بگیران دولت را نداریم. اکنون بسیاری از افرادی که در دولت حقوق اندک می‌گیرند، به دنبال استعفا یا رفتن به سازمان‌های دیگری هستند که اندکی حقوق بیشتر پرداخت می‌کنند. این دقیقا از نتایج ناچیلی تصمیمات حقوقی دولت و مجلس است که امروزه ما آن را در دستگاه‌های دولتی می‌بینیم.

عضو کمیته پیگیری مطالبات حقوقی کارکنان جهاد کشاورزی با اشاره به تصمیمات حقوقی دولت گفت: میانگین حقوق در دل دولت ۲۰ میلیون تومان است اما مثلا در کیاسات شورای عالی کار میانگین حقوق دریافتی کارکنان در سال جاری حدود ۱۳ میلیون تومان بوده است. البته ما میانگین ۲۰ میلیون‌تومانی را در شرایطی که سید حداقل معیشت نزدیک ۳۰ میلیون تومان است، کافی نمی‌دانیم اما این نازابزاری و تعیش میان دستگاه‌ها با فاصله ۱۰ درصدی حداقل‌بگیر و میانگین‌بگیر دولت برطرف نمی‌شود. این در حالی است که دو سال قبل با نامه‌نگاری‌های متعدد مطالبه عدالت حقوقی میان کارکنان دولت را نمایندگان به صحن آوردند اما آقای قالیباف اجازه نداد که حتی این امر به رای گذاشته شود و به‌این‌ترتیب حتی این‌نامه داخلی مجلس نیز نقض شد. این ایده حتی قبل از آنکه نماینده دولت ایراد منابعی به طرح بگیرد، از طرف رئیس مجلس رد شد!

او در پایان خاطرنشان کرد: اکنون اگر ۳۰ درصد روی حقوق کارمندی با حقوق ۱۲ میلیون هم بکشند، تازه حقوق او به ۱۵ میلیون تومان خواهد رسید که برای سال آینده اصلا رقمی محسوب نمی‌شود. مشکل کارکنان دولت و به‌ویژه کسانی که حقوق اندکی دریافت می‌کنند، بیش از اینهمت و دست‌کمی از وضعیت بسیاری از کارکنان نمی‌کند. اینکه در شرایط رابرت‌برج، رشوقیری، آسیب‌های اجتماعی و... در میان کارکنان دولت، از تعیات تانوی است بسیار در قبال کارکنان ضعیف‌تر دولت است که در جای خود قابل بررسی است!

فائزه هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» از سال‌های مدیریتش در ورزش گفت

من سدشکن و تابوشکن بودم

شقایق آسیابی

فائزه هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» از روزهایی که حجاب اجباری شد و ورودش برای راه‌اندازی مجدد ورزش زنان می‌گوید. در همه این مدت حتی وقتی سخت‌ترین سؤال‌ها پرسیده می‌شد، چهره‌اش کوچک‌ترین تغییری نمی‌کرد. زنی مقابل من نشسته بود که فرزند علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهور بود. خودش در دوره پنجم مجلس، با بیشترین رای وارد مجلس شد، ولی در پایان سر از زندان درآورد. قبل از مصاحبه به او گفتم می‌خواهم از دورانی که در تاریخ زنان بعد از انقلاب سیری کردی برای ما حرف بزنی. می‌گوید: همین که می‌بینم ورزش زنان با وجود دوره‌های بسیار سخت هنوز به کار خودش ادامه می‌دهد، برایم کافی است. من سدشکن و تابوشکن بودم و مادر معنوی ورزش هستم. او ادامه می‌دهد: من شخصیت ماجراجویی دارم. دنبال جنگ و مبارزه‌ام و هیچ سختی و چالشی برای حمایت از ورزش بانوان نداشتم. همین که در طول این سال‌ها می‌دیدم مفید واقع می‌شوم، می‌فهمیدم که راهم را درست رفته‌ام.

شما ورزش‌های زیادی را بعد از انقلاب دوباره راه‌اندازی کردید که شاید سخت‌ترینش فوتبال بود.

من مقدمه شما را اصلاح کنم. من هیچ رشته‌ای را راه‌اندازی نکردم به غیر از فوتبال که آن هم تا حدودی در راه‌اندازی‌اش سهیم بودم. من به نحوی مادر معنوی ورزش هستم. واقعا زحمات برای خانم طاهریان، خانم سپنجی و همه مدیران زن آنجا بود که در آن ایام هم کم نبودند. آنجا تلاش‌ها را می‌کردند و به اسم من تمام می‌شد. من نقش آن‌چنانی در راه‌اندازی ورزش نداشتم.

شما چطور در ورزش بانوان در دهه‌های اول انقلاب نقش‌آفرینی کردید؟

من در واقع به ورزش بانوان برنده شدم. با اراده خودم نبود یعنی به من پیشنهاد کردند. من هم به بابا گفتم. او هم موافقت کرد. البته سنم در آن زمان زیر ۱۷ سال بود، ۱۸-۱۷ سال داشتم. اوایل انقلاب که حجاب اجباری شد، عده‌ای در ورزش زنان شدند قدم بعدی این بود که بیانید سراغ ورزش مادر بانوان چون قبل از انقلاب به جز حال الکوهای ورزش بانوان با الکوهای بعد از انقلاب فرق می‌کرد. چرا ورزش بانوان اسلامی نیست و نمی‌شود؟!

فکر می‌کنید دلیل انتخاب شما چه بود؟

بابا و خانواده ما را می‌شناختند و می‌گفتند بیایید در ورزش. چون هم محجبه‌ای، هم دختر آقای هاشمی هستی و وجود تو از تعطیلی ورزش بانوان جلوگیری می‌کند. این‌طور شد که من وارد ورزش شدم. این بود که من مدیریت کنم ولی به نوعی سدشکن و تابوشکن بودم.

در مورد چالش‌های راه‌اندازی فوتبال زنان برای ما بگویید؟

ورزش بانوان کشورهای اسلامی را که افاده بود، رشته‌های ورزش بانوان افزایش پیدا کرده بود، دخترانی ما فوتبال می‌خواستند. ثبات فوتبال بودند هرچه هم که صحبت می‌کردیم، می‌گفتند خیلی حالت خوب حالت کمکم؟ ولی این کمکم آن‌قدر زیاد است از نظر زمانی که نمی‌دانیم بالاخره کی قرار است به سرانجام برسد.

خانم سپنجی در فتح‌کوبی که با ما داشت، می‌گفت شما در یک جمع خصوصی گفتید: تو عرضه نداری این فوتبال را راه بیندازی!

من آمدم به خانم سپنجی که از مدیران برجسته و کاری بود، گفتم دو تا تیم از همین دخترهایی که می‌شناسی جمع کن. دو تا تیم آماده کن، یک مسابقه بگذار در یکی از این سال‌ها، حال من و سایرین هم مثل خانم طاهریان برای تماشا می‌آیم و چاق می‌شکند. همان اتفاق هم افتاد و باخت شد. فوتبال راه بیفتد، افراد هم بیایند. خود من هم دیدم که چند ماه به خطر نیفتد، زمین به آسمان نرفت. فوتبال، والیبال با هندبال فرقش چیست؟ فوتبال راه افتاد، دین خدا هم به خطر نیفتاد.

خانم سپنجی در خاطراتش نقل کرد که شما با ساک ورزشی آمدید و وقتی دیدید تیم‌ها تشکیل شد، گفتید پس من هم می‌شینم بازی را تماشا می‌کنم؟

من والیبال، بسکتبال و خیلی رشته‌ها را کار می‌کردم، ولی فوتبال بلد نبودم، علاقه شخصی به فوتبال نداشتم. ولی وقتی خانم تماشا می‌کنم که دیگر نتوانند مخالفت کنند. در قسمت مدیریت دخالتی نمی‌کردم ولی در قسمت تماشا هم اگر مشکلی داشت، به من می‌گفتند، من هم سعی می‌کردم مشکلشان را حل کنم.

سال‌ها قبل از راه‌اندازی فوتبال، شما برای دوچرخه‌سواری زنان در دهه ۷۰ بودن چادر، با روسری و مانتو، دوچرخه‌سواری کردید؟ شاید اگر امروز بود، این فیلم وایرال‌ترین ویدئو در فضای مجازی شد.

داستان جالبی داشت، باز از برنامه من نبود. در واقع اول انقلاب کرباسچی شهردار تهران بود. سمیناری در مورد آلودگی هوا بود. یک سمینار شهرداری تهران برگزار کرد که دوچرخه به عنوان وسیله حمل‌ونقل مطرح شد. من هم دعوت شدم که در موردش حرف بزنم. ما بچگی در خانه دوچرخه‌سواری نمی‌کردیم. حلال بادم نیست در خیابان هم سوار می‌شدیم یا نه! ولی دوچرخه‌سواری یک چیز خیلی عادی بود برای یک بچه، جزء حریم ممنوعه بود که ما نباید یکسری کارها را انجام بدهیم. دوچرخه‌سواری که مشکل شرعی ندارد! اگر قرار بر وسایل حمل‌ونقل باشد، خب، پس باید زنان و مردان و بچه‌ها همه بتوانند از آن استفاده کنند تا طرح موفقی شود. اگر مردانه باشد نمی‌توان گفت وسیله حمل‌ونقل! نباریان روی مسائل فرهنگی اجتماعی کار کنید، از این حرکت دفاع کردم که این راه بیفتد. خیلی هم خوب است از آن دفاع کردم. در آن زمان گزارش آن سمینار و حرف‌های من در مورد دوچرخه‌سواری در همشهری منعکس شد و خیلی هم به آن حمله‌ای نشد، تا زمان کاندیداتوری من در مجلس!

در زمان کاندیداتوری‌تان در مجلس پنجم، چرا حمایت شما از دوچرخه‌سواری دوباره بر سر زبان‌ها افتاد؟

زمانی که من کاندیدای مجلس شدم، نمی‌دانم چرا انصار حزب‌الله احساس خطر کرد که حلال این در سیاست بیاید، می‌خواهد چه کار بکند؟ دوچرخه‌سواری شد بهانه‌ای برای حمله به من! البته عدو شود سبب خیر، همان باعث شد دخترها و پسرهای جوان این موضوع برایشان جالب شود و مثلا من هم حرف می‌زدم. سخنرانی تبلیغاتی برای انتخابات مجلس دوره پنجم، بر از جمعیت و پیش جوان و اولین سؤالی که از من می‌پرسیدند این بود که دوچرخه‌سواری آزاد می‌شود؟ هر هم می‌گفتم: خب دوچرخه‌سواری که ممنوع نیست، آزاد است. اصلا فکر نمی‌کنم مشکلی وجود داشته باشد. «دوچرخه‌سواری بانوان»، در آن دوره سوژه خوبی تبلیغاتی برای رای من شد.

فکر می‌کنید چرا در آن دوره دوچرخه‌سواری بانوان تا این اندازه مورد توجه قرار گرفت؟

شاید به دلیل سنتی‌بودن جامعه ایران یا نمی‌دانم تفکراتی که خانواده‌ها داشتند. این قضیه خیلی باب نبود ولی ممنوع هم نبود. الکی شد یک موضوع که هنوز هم ادامه دارد، ولی ممنوع نیست. البته این هم حرف انصار حزب‌الله بود که این مسئله را به عنوان یک تابو مطرح کرد.

تا جایی که من تحقیق کردم، شما همین مسئله را درباره راه‌اندازی مجدد ورزش‌هایی مثل شنا و سواری‌ها هم داشتید. حتی خانم سپنجی می‌گفت: برای سواری‌ها مجبور شدید از کتاب عبثه مثال بیاورید که همسر پیامبر هم حتی سواری‌ها انجام می‌داد؟

حداقل در مورد سواری‌ها مطمئنم که این‌طور نبود. همان سال‌های اول انقلاب که هنوز کمی گرفته بودم، جنگ تمام شد و ما وارد وجود ارتباط‌ـ‌جمهوری بابا شدیم، حلال دقیق مضمون نیست. خیلی از استان‌ها و شهرستان‌ها دعوت می‌کردند که با بویوم و آنجا با مقامات شهری‌شان گفت‌وگو کنیم که موانعی که برای ورزش بانوان دارند، رفع شود.

یعنی در این جلسات به بابدها و نبایدهای ورزش زنان اشاره می‌شد، درست است؟

هر شهری هم که می‌رفتیم با امام جمعه، استاندار، شهردار، مدیرکل تربیت بدنی و هر کسی که مرتبط بود به موضوع، ملاقات داشتیم و گفت‌وگو می‌کردیم. یکی از مهم‌ترین چیزهایی که همیشه به‌خصوص در دیدار با امام‌جمعه‌ها به آن می‌پرداختم چون به هر حال نظم مذهبی داشتند و ممکن بود با ورزش بانوان مخالف باشند و از حلال حرام بیانند. یکی از مسائلی که به عنوان یک استدلال در این جلسات مطرح می‌کردم، این بود که ما حدیث داریم. من نمی‌دانستم عایشه چه کار می‌کرد ولی یک حدیث داریم که به فرزندان خود توزانداری، شنا و سواری بیاموزید.

روایت این حدیث در آن زمان راهگشا بود یا استدلال‌های دیگری هم می‌آوردید؟

بعد ادامه می‌دادم که ببینید گفته فرزندان، نگفته پسران! خب، سواری زین‌سواری دارد، دوچرخه‌سواری هم زین‌سواری دارد، شنا بر هر ورزشی که نسبت که هر زیر در آن دوران بوده است. الان هم اگر ما در دنیای امروز بخواهیم اسلام را به‌روز کنیم، شامل حقیقی از رشته‌های ورزشی می‌شود که در دنیای امروز وجود دارد و باید به آنها پرداخته شود. البته استدلال ما مؤثر بود چون آن افراد هم مثل الان نبودند که خیلی ذهن‌های پیچیده و همه چیز حرام است داشته باشند! خیلی موافق بودند، اگر هم مخالف بودند، بعد از بحث با ما هم‌راه می‌شدند، مشکلی وجود نداشت.

چطور دخترک روحانی در دهه‌های اول انقلاب روسری قرمز می‌پوشد یا عکس کاندیداتوری او برای مجلس با بوت قرمز است؟

بوتم قرمز نبود، قهوه‌ای بود. در عکس رنگش آن‌طور شده بود. ببینید این کارها برنامه‌ریزی نشده بود. البته بعدی است. چرا؟ من طبیعت را این می‌دانم که جون زندگی ما قبل از انقلاب و بعد از انقلاب یک بودن، یعنی بعد از انقلاب بابای من دچار ریاکاری نشد که دین را جور دیگری جلوه دهد، بعد ادعایی دربیاورد که مثلا دین این است و حکومان هم دین را جور دیگری پاشیم. یاسم می‌گفت چرا هرکار می‌کنی جنجال می‌شود؟ من می‌گفتم نمی‌دانم، دیگران جنجال می‌کنند! ولی باز قاطعانه هم نمی‌توانیم بگوییم که تمام کارهایی که من کردم بابا مخالفت نکرده باشد. البته بادم نمی‌آید مخالفت کرده باشد. چیزهای عجیب‌وغریبی نبود! جامعه با یک سری مسئولان ... می‌خواستند این را به عنوان اسلام یا چیزهای سنتی، مثلا سخت‌گیری برایش بکنیم؛ برنامه‌ریزی نبود. یعنی به طور طبیعی پیش می‌آمد و همیشه این اتفاقات می‌افتاد.

چرا باید دخترهاشمی آسایش خودش را به خطر بیندازد و بیاید در اجتماع و خودش را دچار چالش برای مسائل زنان کند؟

الان که برمی‌گردم به عقب، کارهایم را خیلی چالش نمی‌بینم. من شخصیت ماجراجویی دارم. دنبال جنگ و مبارزه‌ام؛ یعنی اصلا شخصیتم آدم آرامی نیست ولی در مجموع هم سختی نداشت برای من؛ چون با شخصیت من هم‌خوانی داشت. مفید واقع می‌شوی وقتی دارای یک کاری انجام می‌دهی. حسن خوبی به تو می‌دهد و در مجموع من هم اینها را مثبت می‌بینم. اصلا اینکه خانم دیگر ثابت شده باشم، این هم اعتقاد کمتر چنین نگاهی دارم. می‌دانید، بخشی شاید ژنتیک باشد و به قول خانم رهنورد، من شبیه مادرم شجاع باشم؛ هرچند من سکوت بابا را در خیلی جاها صحبت‌اندیشی می‌دانم.

چینی بیش در دفترتان شما جمع زنانه بود در آن زمان دین دین شما با ک ت و دامن باشم‌بلند باعث شد انرژی زنانه شما را تحسین کنم که درعین‌حال که ممارز مسئیه و سال‌ها مدیریت کردید، حتی در نگاه منتقدان هم انصاف دارید. در مقابل فیلمی از عکای خانم و بابرال حاشیه بود بیرون آمد! این از کجا می‌آید؟

اتوماتیک افتاق می‌افتد. فکر می‌کنم در مورد قضیه آقای تاجیک و شاه عبدالعظیم می‌گویید. من فکر کردم که خب اگر بخواهم عکس‌العمل نشان بدهم که اینجا کتک می‌خورم! کجا عکس‌العمل داشته باشم یا کجا نداشته باشم؟ چون آن شرایط، شرایطی نبود که تو در مقابل پنج، شش تا مرد با آن حالتی که داشتند مثلا بخواهی عکس‌العمل نشان بدهی. من زنم، برای خودم یک حرفی قائلم، برای خودم محدوده‌ای قائل هستم. البته این را هم بگویم که من یک حرفی می‌زنم یا کاری می‌کنم زمانی که مورد حمله قرار می‌گیرم؟ متوجه می‌شوم که چقدر زدم به خال و چقدر موفق بوده که حالا آنها دارند حمله می‌کنند و به من حمله می‌کنند. پس کارهای من تاثیرگذار است که آنها دارند حمله می‌کنند. شاید این به من آرامش می‌دهد. کار بی‌تاثیر نبود چرا باید بیاید حمله کنند؟ پس توانستی یک جایی را نشانه بزنی که درست است. البته برنامه‌ریزی نمی‌کنم که الان می‌خواهم فلان جا نشانه بروم یا ملایک جایی را کنم؟ این کارهای به در می‌کنند. چرا تنش کنم. احساس خوب به من می‌دهد و احساس می‌کنم ارزش داشته که ملا کنم.

آیا ویلفری، مجری آمریکایی، در فتح‌کوبی با میشل اوباما از تاثیرگذاری او در آمریکا حرف می‌زد، ما اگر بخواهیم با شرایط ایران مقایسه کنیم کارهایی که شما برای راه‌اندازی رشته‌های زنان انجام دادید، به مراتب سخت‌تر بود؟

آن موقع واقعا همه همراهی می‌کردند و مثل الان مقاومت نبود! ملا بابا رئیس‌جمهور بود، وزرا و استانداردها همه کمک می‌کردند. امام‌جمعه‌ها کمک کردند. مقاومتی نداشتند. شهرها کمک می‌کردند. دخترهای هاشمی بودم و این اتفاق می‌افتاد و من از این فرصت برای کمک به ورزش بانوان که یک امر اجتماعی است بهره می‌بردم و خانم طاهریان هم که من از این فضا برای همراهی می‌کرد.

من می‌خواهم این را بدانم که وقتی شما در آینه با خودتان نتها هستید، فکر می‌کنید که کاش من از این بودم یا نباید کاش زحماتی که کشیدم دیده می‌شد؟

من کار را برای خودم انجام می‌دادم. یعنی اصلا برای خودم انجام می‌دادم. یعنی گاهی آدم ملا یک روسری سیاه در مراسمی سر می‌کند ولی ما محدود نشدیم که از زنگ‌ها استفاده نکنیم یا این ضد دین است. ما سبره با در واقع سبکی را که قبل از انقلاب داشتیم. بعد از انقلاب همان ادامه پیدا کرد.

ولی این روسری رنگی زیر چادر از زمانی مد شد که شما از آن استفاده کردید؟

بعد از انقلاب یک نگاه افراطی حاکم شد از دین و از انقلاب که بیشتر هم ریاکاری بود. من اعتقاد ندارم که آنها دین بود. ولی ما خوشبختانه به خاطر نگاه بابا و مامان دچار آن خطاها نشدیم. یعنی کسی هم به این چیزی که تبلیغ می‌شود شما باید این‌جور رفتار کنید به خاطر این تندروهای بعد از انقلاب و خانواده ما و خیلی از افراد دیگر همراه نشدند و این‌طور جلوه کرد که شاید داریم خود دیگری رفتار می‌کنیم.

ولی خود شما در فتح‌کوبی کفته بودید زمان شاه جلوی تلویزیون می‌نشستید و اگر صدای آهنگ هم، کم می‌کردید!

نکته خوبی گفتید. قبل از انقلاب در خیلی از خانواده‌های مذهبی، تلویزیون حرام بود، ولی ما در خانه تلویزیون داشتیم برای اتخابات مجلس دوره پنجم، بر از جمعیت و پیش جوان بود و اولین سؤالی که از من می‌پرسیدند این بود که دوچرخه‌سواری آزاد می‌شود؟ هر هم می‌گفتم: خب دوچرخه‌سواری که ممنوع نیست، آزاد است. اصلا فکر نمی‌کنم مشکلی وجود داشته باشد. «دوچرخه‌سواری بانوان»، در آن دوره سوژه خوبی تبلیغاتی برای رای من شد.

فکر می‌کنید چرا در آن دوره دوچرخه‌سواری بانوان تا این اندازه مورد توجه قرار گرفت؟

شاید به دلیل سنتی‌بودن جامعه ایران یا نمی‌دانم تفکراتی که خانواده‌ها داشتند. این قضیه خیلی باب نبود ولی ممنوع هم نبود. الکی شد یک موضوع که هنوز هم ادامه دارد، ولی ممنوع نیست. البته این هم حرف انصار حزب‌الله بود که این مسئله را به عنوان یک تابو مطرح کرد.

تا جایی که من تحقیق کردم، شما همین مسئله را درباره راه‌اندازی مجدد ورزش‌هایی مثل شنا و سواری‌ها هم داشتید. حتی خانم سپنجی می‌گفت: برای سواری‌ها مجبور شدید از کتاب عبثه مثال بیاورید که همسر پیامبر هم حتی سواری‌ها انجام می‌داد؟

حداقل در مورد سواری‌ها مطمئنم که این‌طور نبود. همان سال‌های اول انقلاب که هنوز کمی گرفته بودم، جنگ تمام شد و ما وارد وجود ارتباط‌ـ‌جمهوری بابا شدیم، حلال دقیق مضمون نیست. خیلی از استان‌ها و شهرستان‌ها دعوت می‌کردند که با بویوم و آنجا با مقامات شهری‌شان گفت‌وگو کنیم که موانعی که برای ورزش بانوان دارند، رفع شود.

یعنی در این جلسات به بابدها و نبایدهای ورزش زنان اشاره می‌شد، درست است؟

هر شهری هم که می‌رفتیم با امام جمعه، استاندار، شهردار، مدیرکل تربیت بدنی و هر کسی که مرتبط بود به موضوع، ملاقات داشتیم و گفت‌وگو می‌کردیم. یکی از مهم‌ترین چیزهایی که همیشه به‌خصوص در دیدار با امام‌جمعه‌ها به آن می‌پرداختم چون به هر حال نظم مذهبی داشتند و ممکن بود با ورزش بانوان مخالف باشند و از حلال حرام بیانند. یکی از مسائلی که به عنوان یک استدلال در این جلسات مطرح می‌کردم، این بود که ما حدیث داریم. من نمی‌دانستم عایشه چه کار می‌کرد ولی یک حدیث داریم که به فرزندان خود توزانداری، شنا و سواری بیاموزید.

روایت این حدیث در آن زمان راهگشا بود یا استدلال‌های دیگری هم می‌آوردید؟

بعد ادامه می‌دادم که ببینید گفته فرزندان، نگفته پسران! خب، سواری زین‌سواری دارد، دوچرخه‌سواری هم زین‌سواری دارد، شنا بر هر ورزشی که نسبت که هر زیر در آن دوران بوده است. الان هم اگر ما در دنیای امروز بخواهیم اسلام را به‌روز کنیم، شامل حقیقی از رشته‌های ورزشی می‌شود که در دنیای امروز وجود دارد و باید به آنها پرداخته شود. البته استدلال ما مؤثر بود چون آن افراد هم مثل الان نبودند که خیلی ذهن‌های پیچیده و همه چیز حرام است داشته باشند! خیلی موافق بودند، اگر هم مخالف بودند، بعد از بحث با ما هم‌راه می‌شدند، مشکلی وجود نداشت.

چطور دخترک روحانی در دهه‌های اول انقلاب روسری قرمز می‌پوشد یا عکس کاندیداتوری او برای مجلس با بوت قرمز است؟

بوتم قرمز نبود، قهوه‌ای بود. در عکس رنگش آن‌طور شده بود. ببینید این کارها برنامه‌ریزی نشده بود. البته بعدی است. چرا؟ من طبیعت را این می‌دانم که جون زندگی ما قبل از انقلاب و بعد از انقلاب یک بودن، یعنی بعد از انقلاب بابای من دچار ریاکاری نشد که دین را جور دیگری جلوه دهد، بعد ادعایی دربیاورد که مثلا دین این است و حکومان هم دین را جور دیگری پاشیم. یاسم می‌گفت چرا هرکار می‌کنی جنجال می‌شود؟ من می‌گفتم نمی‌دانم، دیگران جنجال می‌کنند! ولی باز قاطعانه هم نمی‌توانیم بگوییم که تمام کارهایی که من کردم بابا مخالفت نکرده باشد. البته بادم نمی‌آید مخالفت کرده باشد. چیزهای عجیب‌وغریبی نبود! جامعه با یک سری مسئولان ... می‌خواستند این را به عنوان اسلام یا چیزهای سنتی، مثلا سخت‌گیری برایش بکنیم؛ برنامه‌ریزی نبود. یعنی به طور طبیعی پیش می‌آمد و همیشه این اتفاقات می‌افتاد.

چرا باید دخترهاشمی آسایش خودش را به خطر بیندازد و بیاید در اجتماع و خودش را دچار چالش برای مسائل زنان کند؟

الان که برمی‌گردم به عقب، کارهایم را خیلی چالش نمی‌بینم. من شخصیت ماجراجویی دارم. دنبال جنگ و مبارزه‌ام؛ یعنی اصلا شخصیتم آدم آرامی نیست ولی در مجموع هم سختی نداشت برای من؛ چون با شخصیت من هم‌خوانی داشت. مفید واقع می‌شوی وقتی دارای یک کاری انجام می‌دهی. حسن خوبی به تو می‌دهد و در مجموع من هم اینها را مثبت می‌بینم. اصلا اینکه خانم دیگر ثابت شده باشم، این هم اعتقاد کمتر چنین نگاهی دارم. می‌دانید، بخشی شاید ژنتیک باشد و به قول خانم رهنورد، من شبیه مادرم شجاع باشم؛ هرچند من سکوت بابا را در خیلی جاها صحبت‌اندیشی می‌دانم.

چینی بیش در دفترتان شما جمع زنانه بود در آن زمان دین دین شما با ک ت و دامن باشم‌بلند باعث شد انرژی زنانه شما را تحسین کنم که درعین‌حال که ممارز مسئیه و سال‌ها مدیریت کردید، حتی در نگاه منتقدان هم انصاف دارید. در مقابل فیلمی از عکای خانم و بابرال حاشیه بود بیرون آمد! این از کجا می‌آید؟

اتوماتیک افتاق می‌افتد. فکر می‌کنم در مورد قضیه آقای تاجیک و شاه عبدالعظیم می‌گویید. من فکر کردم که خب اگر بخواهم عکس‌العمل نشان بدهم که اینجا کتک می‌خورم! کجا عکس‌العمل داشته باشم یا کجا نداشته باشم؟ چون آن شرایط، شرایطی نبود که تو در مقابل پنج، شش تا مرد با آن حالتی که داشتند مثلا بخواهی عکس‌العمل نشان بدهی. من زنم، برای خودم یک حرفی قائلم، برای خودم محدوده‌ای قائل هستم. البته این را هم بگویم که من یک حرفی می‌زنم یا کاری می‌کنم زمانی که مورد حمله قرار می‌گیرم؟ متوجه می‌شوم که چقدر زدم به خال و چقدر موفق بوده که آنها دارند حمله می‌کنند و به من حمله می‌کنند. پس کارهای من تاثیرگذار است که آنها دارند حمله می‌کنند. شاید این به من آرامش می‌دهد. کار بی‌تاثیر نبود چرا باید بیاید حمله کنند؟ پس توانستی یک جایی را نشانه بزنی که درست است. البته برنامه‌ریزی نمی‌کنم که الان می‌خواهم فلان جا نشانه بروم یا ملایک جایی را کنم؟ این کارهای به در می‌کنند. چرا تنش کنم. احساس خوب به من می‌دهد و احساس می‌کنم ارزش داشته که ملا کنم.

آیا ویلفری، مجری آمریکایی، در فتح‌کوبی با میشل اوباما از تاثیرگذاری او در آمریکا حرف می‌زد، ما اگر بخواهیم با شرایط ایران مقایسه کنیم کارهایی که شما برای راه‌اندازی رشته‌های زنان انجام دادید، به مراتب سخت‌تر بود؟

آن موقع واقعا همه همراهی می‌کردند و مثل الان مقاومت نبود! ملا بابا رئیس‌جمهور بود، وزرا و استانداردها همه کمک می‌کردند. امام‌جمعه‌ها کمک کردند. مقاومتی نداشتند. شهرها کمک می‌کردند. دخترهای هاشمی بودم و این اتفاق می‌افتاد و من از این فرصت برای کمک به ورزش بانوان که یک امر اجتماعی است بهره می‌بردم و خانم طاهریان هم که من از این فضا برای همراهی می‌کرد.

من می‌خواهم این را بدانم که وقتی شما در آینه با خودتان تنها هستید، فکر می‌کنید که کاش من از این بودم یا نباید کاش زحماتی که کشیدم دیده می‌شد؟

من کار را برای خودم انجام می‌دادم. یعنی اصلا برای خودم انجام می‌دادم. یعنی گاهی آدم ملا یک روسری سیاه در مراسمی سر می‌کند ولی ما محدود نشدیم که از زنگ‌ها استفاده نکنیم یا این ضد دین است. ما سبره با در واقع سبکی را که قبل از انقلاب داشتیم. بعد از انقلاب همان ادامه پیدا کرد.

ولی این روسری رنگی زیر چادر از زمانی مد شد که شما از آن استفاده کردید؟

بعد از انقلاب یک نگاه افراطی حاکم شد از دین و از انقلاب که بیشتر هم ریاکاری بود. من اعتقاد ندارم که آنها دین بود. ولی ما خوشبختانه به خاطر نگاه بابا و مامان دچار آن خطاها نشدیم. یعنی کسی هم به این چیزی که تبلیغ می‌شود شما باید این‌جور رفتار کنید به خاطر این تندروهای بعد از انقلاب و خانواده ما و خیلی از افراد دیگر همراه نشدند و این‌طور جلوه کرد که شاید